

مکتب قهوه‌خانه و هنر عامیانه امروز

به مناسبت برپایی نمایشگاه «خیالی‌نگاری» در موزه هنرهای معاصر تهران

golkesavarz@gmail.com

گلناز کشاورز / کارشناس ارشد پژوهش هنر



اگرچه افول تحولات هنر سنتی بسیار تأسفبرانگیز است، اما رویکرد کامل هنر ایران به هنر مدرن در بخشی از تاریخمان نیز قابل انکار نیست.

در اصل پرده‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای جهت سرگرم نمودن مردم با موضوعات مورد علاقه‌شان، که اکثراً در قالب مذهبی و اسطوره‌ای بودند، برای مکان‌های عمومی خلق می‌شدند. بنابراین عینیت نقاشی، مناسب‌ترین راه عرضه این هنر و ارتباط با مردم بود. به‌علاوه اینکه شعر و موسیقی نیز به خدمت هنرمند می‌آمد تا مردم را از هر دو طریق دیداری و شنیداری سرگرم نمایند.

حال اگر بخواهیم شرایط خلق هنر عامیانه آن دوران را با شرایط امروزی منطبق کنیم، بهترین وسیله جهت ارائه موضوعات هنر عام پسند در قالبی سرگرم‌کننده، رسانه‌های عمومی به ویژه رادیو و تلویزیون خواهد بود که در دورافتاده‌ترین نقاط کشور نیز در دسترس هستند. البته قالب‌های دیگر هنری چون هنرهای تجسمی، به‌ویژه در قالب هنر شهری همچون دیوارنگاری و تندیس‌گری می‌تواند سهمی مهم در هنر عامه داشته باشد. البته هیچ‌گاه رسانه‌های مدرن، نیاز مردم به هنرهای تجسمی را نفی نمی‌کند و شاید رویکرد نوین، ارائه این آثار به صورت «هنر شهری» و در معرض عام باشد.

حال آیا آثار نوگرایی که با الهام از نمادهای هنر قهوه‌خانه‌ای، توسط هنرمندی حرفه‌ای خلق می‌شوند و تنها شناس شدنیان توسط مردم در یک نمایشگاه است را می‌توان هنر عامیانه دانست؟ آیا بدون توجه به سلیقه و اعتقادات مردم، می‌توان نقاشی عامیانه معاصر را ایجاد کرد؟

بقای هنر عامیانه بهتر است به دست هنرمندانی باشد که حقیقتاً زندگی عامه مردم را درک نموده و بدون قضاوت در مورد سلیقه و زیبایی‌شناسی آنها و با استفاده از صورت‌های هنری و مضمون‌های مورد پذیرششان، به خلق اثر هنری بپردازند. با چنین رویکردی به تدریج می‌توان با ایجاد تحول در صورت آثار مطابق با فرهنگ عامیانه، جهت ارتقای سلیقه زیبایی‌شناسی مردم نیز گام برداشت.

موزه هنرهای معاصر قریب به پنجاه روز شاهد حضور علاقه‌مندان به هنر عامیانه ایران بود که به بهانه برپایی نمایشگاهی از آثار هنرمندان مکتب «قهوه‌خانه» و نیز «نقاشی پشت‌شیشه» گرد هم آمده بودند که در دوران زند و قاجار شکل گرفته بودند و تا دهه پنجاه نیز ادامه داشتند. این نمایشگاه در ۲۳ اسفند ۸۸ افتتاح شد و تا ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۸۹ دایر بود. ۲۵۰ اثر از هنرمندان نقاشی عامیانه در این مجموعه به نمایش گذاشته شد. علاوه بر حضور آثار هنرمندان نام‌آور مکتب قهوه‌خانه‌ای، آثاری از نقاشان نوگرایی معاصر که با دیدگاهی نو به این مکتب پرداختند نیز قابل رؤیت بود.

برپایی این نمایشگاه با رویکرد تشویق هنرمندان به خلق آثار هنری عامیانه و بررسی خلاقیت هنرمندانی که بدون هیچ ادعایی از میان مردم برخاسته‌اند، قابل تقدیر است، اما باید در نظر داشت آثاری در جهت حمایت از این جریان مورد تشویق قرار گیرند که حقیقتاً متناسب با دیدگاه و سلیقه امروز مردم خلق شده باشند. صرف تکرار نمادهای تصویری نقاشی قهوه‌خانه‌ای و یا شیوه اجرا و حتی موضوعات گذشته، نمی‌تواند جریان هنری جدیدی متناسب با ذائقه و فرهنگ غالب مردم در این عصر را ایجاد کند. گزینش صورت هنری متناسب با سلیقه مردمی، به گونه‌ای که در ادامه تحولات هنری دهه‌های گذشته نیز باشد، ارزشمند و مفید است. چنانچه هنرمندان بزرگی چون «قوللر آقاسی» و دیگران در جهت خلق اثری متناسب با فرهنگ عامه تلاش نمودند آثاری را خلق کنند که از نظر موضوع، محتوا و صورت هنری، بر اساس تحول هنرهای تصویری تا آن زمان، مورد پذیرش مردم باشد. نقاشی قهوه‌خانه‌ای به عنوان «هنر مردمی» ایرانی در اواخر قرن سیزده هجری شمسی دوره جدید صوری و محتوایی خود را آغاز کرد و تقریباً در اوایل عصر پهلوی به دلیل تحولات اجتماعی و شیفتگی هنرمندان به هنر مدرن رو به افول نهاد. نقاشی قهوه‌خانه‌ای مکتبی بود که می‌توانست مضامین مورد علاقه عامه مردم عصر خود را متجلی سازد. اما آیا امروز بازایی مکتب قهوه‌خانه‌ای تنها با نسخه‌برداری صرف از آثار پیشین میسر است؟ آیا اگر روند تحولات هنر عامیانه ادامه می‌یافت، امروز نیز با همان شکل و فرم دوران قاجار روبه‌رو بودیم؟

البته با توجه به تغییرات فرهنگی، اجتماعی، فراز و نشیب‌های تاریخی و تفاوت‌های فاحش بین هنر دوران قاجار و دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تاکنون، پاسخ این پرسش منفی خواهد بود.

